

## سرمقاله

محسن بائژاد

## اسطوره

روز اول ورود به فنی، برنامه های کلاس هایمان را دادند دستمان. زیر یک سری از درس ها نوشته بود رجب بیگی. یکی از بچه ها پرسید مگر رجب بیگی استاد چند درس است؟ و معاونت محترم آموزشی پاسخ داد که اسم آدم نیست؛ اسم سالن است! سالن رجب بیگی. همه خندیدند. نه که فکر کنی من مثل این شخصیت های خفن قصه های آمریکایی نخندیدم و متوجه عمق فاجعه شدم، نه! من هم خندیدم. این خنده مان کوتاه بود و غفلت بعدش بلند. نه تنها رجب بیگی، که حتی اسطوره مقاومت خاورمیانه، چمران، کسی که دوازده سال به احترامش از جا برمیخواستیم و عکسش بر دیوار اتاقمان بود هم، اسم آدم نبود؛ اسم سالن بود! این ۴-۵ سال که در فنی هستیم چمران و رجب بیگی برای ما فنی ها اسم دو تا سالن است. همین! البته رجب بیگی بیش از خود سالن مرا یاد آن لڑ خانوادگی طبقه دوم اش می اندازد که مخصوص چرت (خواب کوتاه را گویند) سر کلاسهای ریاضی یک یا فیزیک دو یا هر کوفت و زهرمار دیگری ست. بگذریم!

رجب بیگی که بود؟ رجب بیگی شاگرد اول بود؛ لاقلا اینکه معدلش بالای ۱۹! پیش نماز هم بود. فعال خط امامی بود؛ در تسخیر لانه جزو بچه های اصلی نبود اما حضور فعالی داشت. رجب بیگی اینها بود اما در چه اوضاع و احوالی؟ وقتی مملکت انقلاب شده بود و می رفت که جنگ شروع شود. یعنی وقتی فنی و کل دانشگاه و کل دانشگاه ها جولانگاه میلیشیا میجهدین خلق و تربیون مارکسیست-کمونیست ها و گده گاه جبهه سومی ها بود. بگذریم! مهم این است که رجب بیگی به طور باورنکردنی ای یک بچه بسیجی ساده و معمولی بود؛ به عبارت دقیقتر رجب بیگی یک سوپرستار زمینی بود. مهم تر از هر چه که راجع به روحیات و وجنات و سکنات رجب بیگی میگویند این است که رجب بیگی؛ بود! یعنی وجود داشت! رجب بیگی افسانه نبود، حاصل پروپاگاندای اندیشه متصلب اقتدارگرایان پارتيکولاریست نبود! رجب بیگی یک شب از هزار و یک شب بغداد نبود! رجب بیگی یک انسان دوپای ریشوی پیراهن روی شلوار خرخوان بچه مثبت بود که روزی پشت همین نیمکت های فنی (البته فنی پایین) مینشست.

بله! این خبر خوبی نیست! یک فاجعه است حتی. رجب بیگی وجود خارجی داشت و بدتر از آن اینکه او هم مثل ما در همین خراب شده درس میخواند. اسطوره تا وقتی اسطوره است، جذاب و قاب کردنی است، اما وقتی پا به واقعیت گذاشت و قرار شد ما با او محک بخوریم ... خب بهتر است بگذریم!

البته خیالتان تخت باشد. رجب بیگی قرار است در این ۴-۵ سال فقط اسم یک سالن باشد. نه کمتر و نه بیشتر. با آن لڑ خانوادگی باصفايش. پس ملالی نیست. شب خوش!



ما از مردن نمی هراسیم، اما می ترسیم بعد از ما «ایمان» را سر ببرند و اگر نسوزیم هم که «روشنایی» می رود و جای خود را دوباره به شب می سپارد. چه باید کرد؟ از یک سو باید بمانیم تا شهید آینده شویم و از دیگر سو باید شهید شویم تا آینده بماند. هم باید امروز شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا فردا شهید نشود. عجب دردی! چه می شد امروز شهید می شدیم و فردا زنده می شدیم تا دوباره شهید شویم.

شهید مهدی رجب بیگی

## دیدار با مادر شهید رجب بیگی

# باید از انقلاب دفاع کرد

شده، می گویند جوانان مردم را در خیابان چه و ترند ... می گویند اگر این شهدا هم بودند الان در چه کردند، توده ی مردم که از چند نفر شهید مهم بین سبزه ها بودند، من می گویم هرگز این طور نبود! ... البته این ها زیاد نیست اند. مگس که در چای بیافتد چیزی نیست، فقط دل آدم منقلب و مضمّن می شود. ...»

خیلی ناراحت بود، از اولی که رسیدیم، قبل از این که چیزی بگوییم، لب ها را به شکوه از سبزه ها گشود.

«الان دیگر مثل این شهدا را پیدا نمی کنید. خانواده ی مذهبی و پاک و ساده زیست. ... این ها مگر چه کم دارند که این گونه آشوب می کنند؟ ...»

قرارمان ساعت ۵ بود. نیم ساعت دیر رسیدیم. پلاک ۵، دری سفید رنگ. زنگ را که زدیم در را باز کرد. مادر شهید رجب بیگی را می گویم. آمد به استقبالمان. زنی سالخورده، مهربان و معنوی؛

ادامه در صفحه بعد...



- کشور نداریم.
- حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی گفت: سردادن شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» توسط برخی افراد در راهپیمایی روز قدس با هیچ یک از موارد دین اسلام سازگاری نداشت. وی افزود: طراحی این شعار نه با نماز، نه با روزه و همچنین نه با زکات و کلام ... مجید موافق و هم جهت نیست.
- سایت الحادی «سکولاریسم نو» که موضوعی هتاکانه و کاملاً ضددینی - حتی نسبت به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام- دارد با استثنا کردن شیخ حسینعلی منتظری نوشت: «پوزبسیون جمهوری اسلامی برای وی نوعی مرجعیت فکری و سیاسی قائل است.»
- «هیولاری کلینتون» وزیر امور خارجه امریکا، پس از پایان گفت و گوهای ایران با ۶ کشور در ژنو در گفت و گو با خبرنگاران گفت: مذاکرات چندجانبه با ایران در ژنو سازنده بود.
- حمید سوریان قهرمان کشتی فرنگی جهان مدال طلای مسابقات جهانی اخیر را به رییس جمهور اهدا و تصریح کرد: دکتر احمدی نژاد با حضور مقتدرانه در مقر سازمان ملل متحد و کسب افتخار و عزت برای ملت ایران و همه مسلمانان، قهرمان اصلی است.
- آیت ... مکارم شیرازی از مراجع عظام تقلید، در دیدار شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به اینکه سه گروه در انتخابات اخیر مطرح بودند، اظهار داشت: یک گروه در انتخابات که اکثریت بودند و بیش از ۲۴ میلیون رای آوردند یک گروه هم ۱۳ میلیون رای آوردند یک گروه هم گروهی مخرب بودند از خارج دستور می
- گرفتند و آتش بیار معرکه بودند و کارهای بدی کردند ما باید حساب آنها را از هم جدا کنیم.
- صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش خود با عنوان چشم انداز اقتصادی جهان آورده است: در حالی که نرخ تورم ایران در سال ۲۰۰۷ به ۱۸٫۴ درصد رسید، و در سال ۲۰۰۸ به ۲۵٫۴ درصد رسیده بود، این رقم در سال جاری میلادی به ۱۲ درصد کاهش می یابد و در سال ۲۰۱۰ به ۱۰ درصد خواهد رسید.
- مقامات رژیم صهیونیستی پس از مشاهده فیلم دو دقیقه و نیمه گلعاد شالیت، زنده بودن وی را تایید کردند. نوار ویدئویی گلعاد شالیت که دو دقیقه و نیم است، در ازای آزادی ۲۰ اسیر زن فلسطینی به مسئولان رژیم صهیونیستی تحویل داده شد. در این نوار ویدئویی گلعاد شالیت که لباس نظامی به تن دارد در حال خواندن شماره جدید روزنامه فلسطین به زبان عربی است.
- روزنامه اخبار الیوم مغرب به علت چاپ کاریکاتوری از یکی از اعضای خانواده پادشاهی این کشور بسته شد. به گزارش الجزیره، این روزنامه اتهام نقض قوانین مطبوعات مغرب را رد کرد.
- نظامیان صهیونیست روز گذشته وارد مسجدالاقصی شدند و نمازگزاران را مورد ضرب و شتم قرار دادند. هفته گذشته نیز حدود ۴۰ نفر از این شهرک نشینان یهودی برای اولین بار پس از اشغال بیت المقدس در سال ۱۳۴۶ وارد صحن های این مسجد شدند و به زد و خورد با هزاران نمازگزار که در این مسجد مشغول عبادت بودند، پرداختند.

## اخبار

- بیژن نوبوه، نماینده مردم تهران در مجلس هشتم، در مراسم تجلیل از ایثارگران صنعت نفت اظهار داشت: جنگی که امروز علیه انقلاب ما در جریان است به مراتب قوی تر و سخت تر از جنگ تحمیلی است؛ در زمان جنگ دشمن قابل مشاهده بود ولی امروز دشمن با نوای ... اکبر به جنگ ملت آمده است.
- «رضا پهلوی» فرزند شاه مخلوع ایران در مقاله ای در روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف نوشت: تحریم های قبلی علیه ایران بی فایده بوده است و تنها نتیجه تحریم ها این بوده است که ایران به بمب هسته ای نزدیکتر می شود. اکنون زمان آن است یک چیز جدید را (برای مقابله با ایران) امتحان کنیم و آن تقویت جنبش سبز ایران است.
- حجت الاسلام والمسلمین حسین طائب از فرماندهی کل بسیج مستضعفین به یک نهاد مهم در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتقل شد.
- آیت ... هاشمی رفسنجانی در ملاقات جمعی از اعضای مجلس خبرگان در محل مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت است: برخی فکر می کنند من گفته ام مشروعیت نظام به رای مردم است. در حالی که من مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را به ولایت فقیه می دانم. وی اظهار داشت: مصداق اتم واکمل ولی فقیه در حال حاضر حضرت آیت ... خامنه ای است و ما کسی را بهتر و توانمندتر از ایشان در اداره

## من اخلاک‌گرم!

### شهید مهدی رجب بیگی

من اخلاک‌گرم!

از سرزمین رنج و حرمان

کوچه ی غم

راغه های فقر

از ملک محرومان

از گوشه ی ایران

با خشم می آیم

با کینه می آیم

آی مردم!

من اخلاک گرم!

پدرم را بی نانی

کشت و می گفت:

خدا رزاق است.

پس بگویند:

که نانم به کجا پنهان است؟

ز چه رو

زندگیم بی سر و بی سامان است؟

چه کسی نان مرا دزدیده؟

یا چه کسی

سفره ی ایمان مرا برچیره؟

همه گویند که اخلاک‌گرم

لیک من پیرو پاک بوذرم

مردی از طایفه ی غفاری

گنهنش چیست؟

جز اخلاک‌گری؟

کارش

اخلاک به کار شاهان

حرفش

آیات شریف قرآن

### ادامه از صفحه قبل...

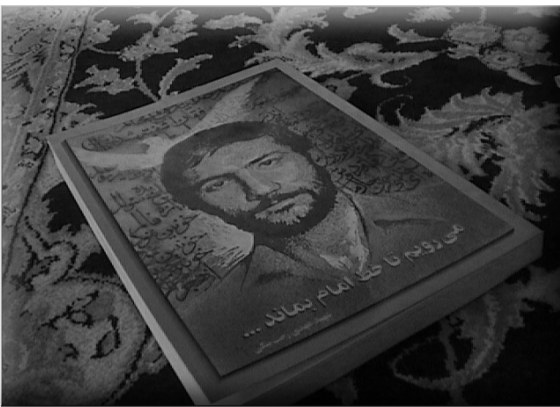
همان چیزی که از مادر شهید در ذهنمان هست. وارد حیاط خانه شدیم. باغچه ی سرسبزی داشت، هنوز بوی زندگی و طراوت از این خانه می آید!

داخل خانه می شویم. خانه ای قدیمی و نه چندان بزرگ، خانه ی یک انقلابی! مادر می گوید در این خانه جلسه ی درس و بحث دینی می گذارد. به دیوارهای اتاق پذیرایی چندین عکس از مهدی بود. همان عکس معروفش. همان نگاه مصمم که به انتظار رهایی مستضعفین جهان، شب ها را تا صبح بیدار می ماند و به مطالعه و عبادت می پرداخت. مادرش می گفت این عکس را برای گذرنامه اش گرفته بود. برای سفر به هندوستان و ارتباط با دانشجویان اسلام گرا. کمی مانده بود که لیسانس بگیرد. بعد از بازگشتش مدت زیادی نگذشت که شهید شد.

«پنج مهر بود که با ماشین جهاد سازندگی، از خانه بیرون رفته بود، با موتور برگشت. گفت منافقین در شهر اغتشاش مسلحانه کرده اند. اسلحه اش را برداشت و با موتور رفت. آخر با سپاه مرتبط بود و از آن ها اسلحه گرفته بود. کمی به دنبال موتور دودیم. اما نا امید و نگران برگشتیم. آن روز ۹۰ نفر حزب اللهی کشته شدند. مهدی خیلی دیر کرد. به جهاد رفتم، گفتند این جا نیست. شب هم نیامد. فردا با دامادم رفتیم سرکشی بیمارستان ها. یک روز دیگر هم در بی خبری و نگرانی بودیم. فردای آن روز آشنایی زنگ زد و گفت که جسد مهدی را در سردخانه ی

بیمارستان مدائن دیده است. بعداً فهمیدم که مهدی سوار بر موتور، جلوی بیمارستان مدائن کشته شده است. یک منافقی از پشت به او تیراندازی کرده است و وقتی از موتور افتاده بود، چندین تیر دیگر به او زده بود. می دانستم که عاقبت راهش شهادت است. ...»

بسیار زنده روایت می کند. تو گویی خاطرات روز گذشته اش را می گوید.



«آن دوران، حزب اللهی و منافق بود، مثل الان...»

مسلمان ها یکی یکی به سمت منافقین می رفتند. مهدی جلوی آن ها را می گرفت و بحث می کرد. در دانشگاه از این صحبت ها زیاد بود ... او همیشه به این فکر بود که دیگران را با خود همراه کند، می خواست که تا می تواند همه را به خط امام در آورد ... در مدارس محروم جنوب شهر که تدریس می کرد، برای پول نبود، برای نشر عقیده اش بود. از نفاق و منافقین می گفت. از امام و خط امام

یعنی فضای سلطنتی برای خودش یک جریان نخبگانی ایجاد کرده که در نظام اسلامی توانستند با امام همراه شوند. جریان های نخبگانی دیگری هم وجود داشت که گرایشات چپ و ... داشتند. آنها هم با انقلاب همراه نشدند. حتی یک جریان نخبگانی وابسته به حزب توده، جریان جدی حوزوی در حد مرجعیت داشت که در مقابل امام و انقلاب صف بسته بودند. چون نیرویی برای اداره کشور با امام نبود، و تنها یک مشت توده عوام بدون سازماندهی همراه امام بودند، توقع نمی رفت که این انقلاب به سرانجام برسد. نظیر این اتفاق قبلاً در جریان مشروطه و نفت هم افتاده بود، بعد از مشروطه انگلیس با روشنفکر داخلی توافق کرده بود و رضاخان را سر کار آورده بود تا مشروطه را به جایی که می خواست برساند و در قضیه نفت هم به همین ترتیب، اما افرادی که این طور فکر می کردند، پیش بینی رجب بیگی ها را نکرده بودند، امثال رجب بیگی از دل انقلاب در آمدند و یک جریان نخبگی متصل به مردم و ولایت ایجاد کردند و ضد انقلاب را در همه حوزه ها کنار زدند.

فتنه سال ۵۷ به بعد خیلی پیچیده بود. ضد انقلاب همه چیز داشت: از سابقه مبارزاتی تا شهید و همسر شهید. نیروهای ضد انقلاب در فاصله ی دو سه سال توانستند علی رغم اختلافات اولیه، با هم در مقابل انقلاب متحد شوند. مجموعه جریانات چپ، نهضت آزادی، بنی صدر و رجوی با پیوستگی به اسرائیل و ائتلاف با نیروهای خارجی علیه انقلاب صف کشیدند، (البته جریانات اخیر خیلی زودتر این مراحل را طی کردند و در عرض دو سه ماه به اسرائیل رسیدند!) در آن شرایط کارکردن خیلی سخت بود. رجب بیگی ها یک محور برای خود گذاشتند و آن «خط امام» بود. هر چه جست و جو کردند دیدند هیچ چیز نمی تواند غیر از خط امام محور قرار بگیرد، به امام نگاه می کردند و با محوریت امام بقیه را تحلیل و ارزیابی می کردند و می سنجیدند و جایگاه خود را نسبت به آن شخص پیدا می کردند، امام را یافتند و امام را شکر کردند، نعمت امام را شکر کردند، نعمت اسلام ناب را شکر کردند.

رجب بیگی شهید نبرد جنگ اسلام ناب با اسلام آمریکایی بود. امام در پیامش می گوید انقلاب اسلامی انقلابی بود علیه اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه داری و

برایشان می گفت. می گفت درس بخوانید تا یک عده پولدار گردن کلفت به جای شما به دانشگاه نروند، تا در آینده امور شما را در دست بگیرند ... آن ها هم دوستش داشتند. ... هنوز هم بعضی از شاگردانش سر قبرش می آیند و با او راز و نیاز می کنند.»

مهدی در جنوب تهران بزرگ شده است: شوش، جوادیه و بعداً شیخ هادی. مادرش از توجه او به محرومین می گوید و از دغدغه اش برای دفاع از مستضعفین. مهدی از دانشجویان خط امام بوده است و در تسخیر لانه جاسوس آمریکا نقش داشته است. از مسئولان کنفرانس نهضت های آزادی بخش جهان هم بوده است.

مادر شهید از حوادث اخیر دل پری دارد. «معصومه (خواهر کوچک شهید) قبل از انتخابات مهدی را خواب دیده بود که می گفته بلند شوید و بروید و نگذارید که آشوبگران انقلاب را از بین ببرند. آن زمان هنوز آشوبی به آن صورت نبود.»

زنگ های مکرر تلفن خسته اش می کند. ماه رمضان است و دو ساعتی می شود که زبان روزه او را به حرف واداشته ایم. صادق بالاخره کوتاه می آید. صحبتمان را تمام می کنیم. نیم ساعت به افطار است.

آخرین کلامش این بود: «بالاخره باید یک راه را انتخاب کرد و نمی توان هر روز به یک رنگ درآمد. باید از انقلاب دفاع کرد.»

اسلام التقاطی. رجب بیگی مصداق بارز شهید جنگ این دو جریان است. او نسبت به اشرافیت و سرمایه داری به شدت کینه دارد، کینه ای با بصیرت، نه تعصب و کورکورانه. او به شدت دغدغه دارد که مبدا اسلام انقلاب اسلامی با اشرافیت مصادره شود و اشرافیت بخواهد از اسلام سهم خواهی کند.

امروز رجب بیگی می تواند از مهم ترین الگوهای جنبش دانشجویی باشد، چون فضای امروز به نوعی ویژگی های آن دوره را دارد. یک دوره ای می خواستند به بهانه جمهوریت، اسلامیت را بزنند و موفق نشدند. امروز از نمادهای دینی استفاده می کند تا جمهوریت را بزنند. امام می دانست اگر جمهوریت را از نظام بگیرند، اشرافی که از همین نظام سر بر آورده اند، پای توده ها را از مشارکت سیاسی قطع می کنند. «همسر رضا پهلوی و دخترهایش» در جریانات اخیر آمدند کنار پلاکاردی که نوشته بود «مراجع عظام به داد برسید» عکس انداختند! این همان اسلامیتی است که می خواهد پایه ی جمهوریت را بزند.

شهید رجب بیگی آدمی است به شدت فرهنگی، تا مغز استخوانش فرهنگی است و کار فرهنگی برایش موضوعیت دارد. اما وقتی دشمن دست به اسلحه می برد، نمی نشیند تماشا کند و بگوید من اهل قلم و روشنفکر هستم، این برای او افتخار است که به عنوان یک آدم فرهنگی، به قول خودش «کتاب زده» نیست و هر جا که لازم باشد اسلحه به دست می گیرد.

او با اعتماد به نفس کامل در صحنه حاضر می شد. تذبذب در کارش نبود. جایی که یقین داشت محکم می ایستاد. سید حسن نصرالله در جنگ ۳۳ روزه لبنان گفت این جنگ، جنگ اراده هاست. در فتنه هم همینطور است، اگر بتوانند اراده را متزلزل کنند، با بزرگ کردن فرعیات و تزلزل اصول، یکباره همه چیز فرو می ریزد.

رجب بیگی گنج ناشناخته ای است که جنبش دانشجویی شدیداً به آن محتاج است و بازخوانی او و ملکات رفتاری اش می تواند به بازآفرینی جریان نخبگی انقلاب در برابر حرکات اشرافیت زیاده خواه و پررویی که برای خدمت به اسرائیل وارد تقابل با انقلاب شده اند، بینجامد.

### به نقل از خبرگزاری برنا

## رجب بیگی؛ نماد نخبگی انقلاب اسلامی

### وحید جلیلی

مراسم «می رویم تا خط امام بماند» با حضور وحید جلیلی (سردبیر ماهنامه ی راه)، عصر سه شنبه هفتم مهرماه، به همت بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، به مناسبت سالگرد شهادت شهید مهدی رجب بیگی بر مزار شهدای گمنام دانشگاه، برگزار شد.

شاید این روزها لازم باشد به همان ادبیاتی بازگشت کنیم که شهدا در آن منظومه تربیت شدند. در آن نسل احیا شده توسط امام، تفکر قرآنی و پناه بردن به قرآن موضوعیت داشته است. آنها به هیچ وجه سرشان خلوت تر از ما

نبود؛ درس و مبارزه و فضای بزرگ سرنگونی سلطنت را داشتند. در همه جا حضوری فعال داشتند، اما هیچ یک از اینها بهانه ای نشد که پیوندشان با قرآن و ذکر کم رنگ بشود، بلکه برعکس انقلابی-گریشان، آنها را همنشین قرآن کرده بود.

رجب بیگی الگوی دانشجوی مسلمان است. از هر بعدی که به این آدم نگاه می کنیم، الگو است. دوستانش می گویند مهدی مایه اعتماد به نفس ما بود، چون شاگرد اول دانشکده فنی بود، با اینکه در باقی ابعاد هم از ما فعال تر بود. اینطور نبود که فقط یک دانشجوی ممتاز و نمازخوان باشد؛ برای رجب بیگی دین همه دین بود، دینداریش جامع و کامل بود: معنویت، عدالتخواهی، جهاد، مبارزه، و تلاش شبانه روزی. زمانی که او شهید می شود، ۲۴ سال داشته است، این همه برکت از یک دانشجوی جوان از کجا ناشی می شود؟ معنویت او را نگاه کنید، انس با قرآن و دعوت به معنویت که در کتابش به کرات دیده می شود.

شریعتی، خودسازی را ذیل عبادت، کار و مبارزه اجتماعی تعریف می کند. (رجب بیگی خیلی تحت تاثیر مرحوم دکتر شریعتی بوده است، او شریعتی را هم ذیل امام می دید، برای همین توانست از شریعتی خوب استفاده



امروز رجب بیگی می تواند از مهم ترین الگوهای جنبش دانشجویی باشد، چون فضای امروز به نوعی ویژگی های آن دوره را دارد.

کند). رجب بیگی در هر سه بعد در اوج است. در دانشگاه از مسائل صنفی تا فعالیت های انجمن اسلامی همه را در نظر می گرفت، برای پیروان خط امام بیانیه می نوشت، در نماز جمعه به نمایندگی از دانشجویان خط امام صحبت می کرد، در جهاد سازندگی حضور فعال داشت، در روزنامه جمهوری اسلامی مطلب می نوشت و در نشریه های دانشجویی هم فعال بود. به دلیل اینکه از لحاظ درسی خیلی ممتاز بود، از مدارس بالای شهر و پولدار ها برای تدریس دعوتش می کردند. مدتی در آن فضا بود، اما بعد کاملاً گسست و گفت: این کار من، کمک به ایجاد فاصله طبقاتی است. به جنوب شهر رفت.

او یکی از سرسلسله های جریان استراتژیکی در کشور بود که امروز هم از ضرورت های ماست: رابطه ی امام و امت. انقلاب که پیروز شد، یک امام داشت و یک امت، مردمی بودند که امامی را برگزیدند و به او اعتماد کردند و پشت سرش حرکت می کردند. ولی گروه های زیادی در طی ده ها سال سابقه هایی داشتند، اما حاضر نشدند در انقلاب با امام و مردم همراه شوند. علیا حضرت شهبانو تلاش زیادی کرده بود و بدنه نخبگانی قوی در اطراف خود در ابعاد دینی، هنری، ادبی و ... ایجاد کرده بود. رییس دفتر شهبانو سید حسین نصر بود که اتفاقاً آدم فاضلی هم هست.